

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال اول، شماره دوم، بهار ۱۳۸۹

مؤلفه‌های پایداری در سیمای شخصیت‌های رمان دفاع مقدس (علمی - پژوهشی)

دکتر احمد امیری خراسانی

استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

عسگر حسن پور

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات مقاومت

چکیده

چه چیزهایی مایه‌ی ایستادگی و پیروزی رزمندگان بر دشمن مهاجم بود؟ در این مقاله این مهم در رمان‌های دفاع مقدس ریشه‌یابی و تقسیم‌بندی شده است. شخصیت، یکی از عناصر اصلی رمان است که با محتوا و درون‌مایه و شکل اثر، رابطه‌ی نزدیکی دارد. انگیزه و عمل شخصیت، بازتابی از مسایل اجتماعی است. بررسی شخصیت در رمان دفاع مقدس، کلید درک انگیزه و اندیشه‌ی مبارزان در طول هشت سال جنگ تحمیلی است. آنچه در شخصیت‌های رمان دفاع مقدس بیشتر نمود دارد؛ چرایی دفاع است نه چگونگی دفاع. این نکته در فکر و عمل کاملاً آشکار است.

سطوح فکری و کنشی مبارزان، بیانگر دلایل و نوع مقاومت در برابر دشمن است و عوامل و مؤلفه‌های پایداری ملت ایران را نشان می‌دهد. فکر و عمل شخصیت‌های رمان، زمینه‌های عقیدتی و اجتماعی و تاریخی مقاومت را بیان می‌کند. در بررسی شخصیت‌ها، هویت دینی و عرفانی رزمندگان در ارتباط با امام و مردم و انقلاب اسلامی، عوامل اصلی پایداری در برابر دشمن هستند و وحدت عقیدتی و عاطفی رزمندگان با خود و خانواده‌ها، تقویت روحیه‌ی مقاومت است. ماهیت رمان دفاع مقدس نیز چیزی جدای از این مؤلفه‌ها نیست. در این نوشتار سعی شده است این عوامل، به عنوان مهمترین مؤلفه‌های پایداری مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

واژگان کلیدی

ادب پایداری، شخصیت داستانی، رمان دفاع مقدس، رزمندگان، مؤلفه‌های

پایداری.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۰/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۸۹/۲/۲۵

نشانی پست الکترونیک نویسنده: Amiri@mail.uk.ac.ir

۱- درآمد

ادبیات هر دوره‌ای، بازتاب آرا و عقاید و سرنوشت و امیدها و آرزوها و مشکلات مردم آن دوره است. ادبیات مقاومت، عموماً در شرایط حساس اجتماعی و تاریخی به وقوع می‌پیوندد. یکی از مسایل مهم منعکس شده در ادبیات داستانی معاصر ایران، جنگ هشت ساله‌ی تحمیلی است. ادبیات تاریخ پنهان مردم است و در آن تنها به ظاهر اتفاقات پرداخته نمی‌شود. ادبیات داستانی بیان درونی شدن مسایل تاریخی و اجتماعی است و هر پدیده‌ای را به صورت جزئی بیان می‌کند. ادبیات داستانی دفاع مقدس نیز پاره‌ای از این موشکافی‌ها و دقت در لایه‌های اندیشه‌ای و اجتماعی است که بازتاب به موقع حادثه‌ای مهم است - انقلاب اسلامی، مشروطیت، ملی شدن نفت - مسایل مهمی در ادبیات دفاع مقدس می‌باشد که مایه‌ی الهی و انسانی شدن این نوع شده است. در این ادبیات، کمتر به مسایل ظاهری و یا چگونگی مبارزه پرداخته شده است و بیشتر دلایل مبارزه مطرح بوده است. این مسایل، هویت خاصی به ادبیات داستانی دفاع مقدس بخشیده است. به جز برخی رمان‌های نخستین که بیشتر بیان مظلومیت ملت ایران و بی‌رحمی‌ها و خشونت‌های دشمن است، سایر رمان‌ها بیشتر بیان هویت قدسی رزمندگان است. این مهم بیش از هر چیز در سیمای شخصیت‌های داستانی به ویژه شخصیت‌های اصلی هویدا است. از این رو، در این مقاله انگیزه و عمل مبارزان به عنوان نمونه‌ی مؤلفه‌های پایداری مورد بررسی قرار می‌گیرد، چیزی که مایه‌ی مقاومت و پیروزی در برابر دشمن است.

۲- شخصیت در رمان

شخصیت داستانی، موجود مخلوقی است که در داستان زندگی مخصوص به خویش را دارد. این موجود خیالی در داستان معرفی می‌شود و رشد می‌یابد، دست به عمل می‌زند و به آرزویی می‌رسد یا در راه رسیدن به آن جان می‌بازد. شخصیت، عنصری است که بیش از هر چیز مایه‌ی جذابیت داستان می‌شود. شخصیت در رمان، فرصت و مجال بیشتری برای رشد و گسترش دارد و عمق و

بعد و تعدد شخصیت‌ها یکی از اصلی‌ترین امکانات رمان است. «از لحاظ غنا و تنوع و عمق روان‌شناسانه در ترسیم طبیعت آدمی، هیچ چیز به پای سنت عظیم رمان اروپایی نمی‌رسد، با این حال در بحث فنی کاراکتر، شاید دشوارترین جنبه‌ی هنر داستان‌نویسی باشد علتش هم تا حدودی کثرت انواع کاراکتر و شیوه‌های باز‌نمایی آن است» (لاج ۱۳۸۸: ۱۲۷).

شخصیت در رمان، از استقلال بیشتری برخوردار است و فردیت، یکی از مسایل مهم در خلق شخصیت رمان است. شخصیت در رمان در زمان و مکان خاصی حضور دارد، اما این عوامل مانع از آن نمی‌شوند که شخصیت، ویژگی‌های منحصر به فرد داشته باشد. «اشخاص داستانی رئالیست‌های بزرگ همین که در تخیل نویسنده نطفه می‌بندند، زندگی مستقل از آفریننده‌ی خود را به پیش می‌برند» (ایوتادیه، ۱۳۷۷: ۱۰۲). این مسأله با رشد و گسترش شخصیت در ارتباط است. شخصیت داستانی، موجودی ثابت و ساکت نیست؛ هر عمل باید بر وجود او تاثیر بگذارد، چه حوادثی که خود او می‌آفریند و چه حوادثی که او شاهد آن‌هاست.

شخصیت در رمان، این امکان را می‌یابد که به آرزو‌ها و آمال خواننده دست یابد و چیزی که در واقعیت امکان پذیر نیست؛ در عالم خیال و داستان، شخصیت آن را به دست آورد. از این رو مقابله‌ی شخصیت با مشکلات و دستیابی او به هدف، همراهی خواننده را در پی دارد. با ذکر این نکته که شخصیت در رمان‌های دفاع مقدس، کمتر فردیت دارد -- منبع مشترک آثار و حال و هوای مشترک نویسندگان در یک دوره‌ی تاریخی، باعث شباهت شخصیت‌ها به هم شده است. -- مؤلفه‌های پایداری در انگیزه و اندیشه و عمل آنان بررسی می‌شود. چرا که نیت و قصد شخصیت، مهمترین نکته‌ی معنایی و محتوایی اثر است. «می‌توانیم مضمون یا درون‌مایه‌ی هر اثری را از طریق تفسیر و تعبیر شخصیت اصلی هر داستان تشخیص بدهیم» (میر صادقی ۱۳۷۶: ۱۷۹).

شخصیت یا شخصیت‌های اصلی و مهم در رمان‌ها، مبارزان و رزمندگان دفاع مقدس هستند. این شخصیت‌ها در ادبیات داستانی معاصر، چهره‌ای پویا و

کمال طلب و آرمان‌گرا دارند و مبارزه‌ی آنان در اثر اصول اعتقادی خاصی است.

۳- هویت دینی مبارزان

رزمندگان و مبارزان در دفاع از میهن، انگیزه‌ی دینی دارند و هویت آنان بر گرفته از اسلام و تشیع است. بیشترین تأکید مبارزان، نبرد به خاطر اسلام است. در رمان دفاع مقدس، کمتر سخن از ایده‌ها و اندیشه‌های ملی‌گرایانه و ناسیونالیستی است، بلکه بیشتر به تبع ماهیت انقلاب اسلامی و استکبارستیزی مبارزه سمت و سویی دارد. مهمترین عامل پیوند لایه‌های مختلف مردم در مبارزه هویت دینی است. «چیزی که در ادبیات انقلاب می‌بینیم؛ کمرنگ بودن ناسیونالیسم است در ادبیات ما و آن چیزی که ادبیات انقلاب می‌گوییم و یا عمدتاً مربوط به جنگ است؛ ناسیونالیسم وجود ندارد. به جای ناسیونالیسم، ما امت واحد داریم، یعنی رزمنده‌ی ما در صحبت‌هایش دفاع از اسلام می‌کند نه دفاع از ایران» (هاجری، ۱۳۸۹: ۳۸۹).

این نکته، یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های رمان دفاع مقدس است؛ در حالی که شعر دفاع مقدس تلفیقی از مایه‌های دینی و ملی است. «طرح اسطوره‌ها و چهره‌های ملی و احساس رقیق وطن‌گرایی بی آن که به مرزهای ملیت پرستی نزدیک شود، همراه با باورهای دینی به ویژه شیعی در شعر حضوری جدی و ملموس دارد» (سنگری، ۱۳۸۵: ۲۲). یکی از دلایل این امر هویت دینی و انقلابی رزمندگان است. برخی از رزمندگان از هویت انقلابی برخوردارند و ماهیت اسلامی انقلاب، جایی برای ملی‌گرایی باقی نمی‌گذارد.

هویت دینی رزمندگان، یکی از نکته‌های اساسی مبارزه است. به این معنا، مللی که دارای تاریخ و فرهنگ و دین با سابقه‌ای هستند، از مایه‌های عمیق‌تری برای وحدت در برابر هجوم دشمن یا مبارزه با استبدادهای داخلی بهره‌ورند. فردوسی، شاهنامه را با اتکا به هویت تاریخی و ملی سرود و از آن ابزاری برای مقاومت در برابر سلطه و نژاد‌گرایی عرب ساخت. نکته‌ی مهم برای خلق اثر

پایداری توجّه دقیق به زمینه هاست و ماهیت انقلاب اسلامی، به بازیابی هویت دینی و تاریخ اسلام در رمان دفاع مقدس انجامیده است. رزمنده در سایه‌ی ارزش‌های دینی با دشمن می‌جنگد و عملش ادامه‌ی بیداری و حرکت انقلاب اسلامی است.

پایداری در برابر دشمن با زمینه‌های تاریخی و اجتماعی پیوندی ناگسستنی دارد. در هنگام حمله‌ی آلمان‌ها به فرانسه، این مهم با تاریخ و فرهنگ فرانسه پیوند خورده است. در رمان ورکور پایداری در برابر استیلای آلمان‌ها به مدد فرهنگ و ادب تاریخی فرانسه است. وقتی عمو و برادرزاده در برابر افسر آلمانی توانی برای مبارزه ندارند، این کتاب‌های مشاهیر فرانسه است که حافظ روح تاریخ و فرهنگ فرانسه است. «اما این اطاق روحی دارد، تمام این خانه روح دارد، به اینجا که رسید در برابر طبقات کتابخانه بود. با انگشتانش جلد کتاب‌ها را آهسته نوازش می‌کرد و می‌گذشت: بالزاک، بارس، بودلر، بو ماشه، بوفون، شاتوریان، کرنی، دکارت، فنلون، فلوبر، لافونتن، فرانس گوته، هوگو.» (ورکور، ۱۳۸۷: ۴۸).

در رمان دفاع مقدس نیز وحدت ملت بر اساس ارزش‌های دینی و تاریخی و حادثه‌ی انقلاب اسلامی است. این مایه نیز زیر بنای مقاومت رزمندگان است. «زادگاه ادب مقاومت در بستر حوادث است و معمولاً نا همزیستی و مبارزه‌ی مردمی با استبداد داخلی یا هجوم خارجی در گسترده‌ترین شکل آن در بین پیروان یک مکتب و مذهب و یا ملت به وجود می‌آید.» (کمری، ۱۳۷۳: ۴۵۶). دین اسلام مایه‌ی وحدت و پیروزی در دفاع مقدس است. پیروزی در نظر رزمنده، غلبه بر دشمن نیست، بلکه غلبه بر نفس و عمل به تکلیف است و پیروزی بر دشمن فرع بر آن است. از این رو، در رمان دفاع مقدس هیجانات ظاهری و صحنه‌های تلخ و خشن کمتر محور قرار گرفته‌اند و اصل بر اهداف دینی است. (مبارزه به خاطر اسلام باور به عالم غیب، شهادت طلبی، الگوگیری از تاریخ اسلام به ویژه عاشورا).

باران: نمی‌ذاریم خون شهدایمان پامال بشه. این وظیفه‌ی همه است. باید تا آخرین قطره‌ی خونمان بجنگیم (زمین سوخته، ص ۱۷۹).

«بابا می گفت: لعنت الله على القوم الظالمين؛ خدایا آخرین کلام ما را در این دنیا و اولین کلام ما را در آن دنیا نام مقدس مولامون حسین قرار بده.» (دوشنبه-های آبی ماه، ص ۷۴).

«زهره گفت: نکنه آرزو به دل بمانم و از این خانواده یک شهید به اسلام هدیه نشود.» (ملاقات در شب آفتابی، ص ۹۷).

«بتول: دیشب که گفتم فدای یک لحظه عمر امام . حسینمو در راه حسین دادم، دیگه هیچ نگران من نباش.» (نخل‌های بی سر، ص ۱۳۵).

«ناصر در اومد گفت: ولی ما برای نماز می‌جنگیم» (نخل‌های بی سر، ص ۱۶۲).

«جهان آرا: ما خدا را داریم و یقین پیروزیم، مهم نیست که بچه‌ها دارن شهید میشن، مهم اینه که مکتب باقی بمونه.» (نخل‌های بی سر، ص ۱۷۹).

«حجت کیانی: فهمیدم که هنوز خیلی کار دارم تا به آن مرحله برسیم که قصدم فقط جلب رضای خدا باشد.» (ملاقات در شب آفتابی، ص ۴۸).

۴- مردمی بودن مبارزه

انقلاب اسلامی، ملتی را بر اساس باورهای دینی انسجام و اتحاد بخشید و رهبری امام نیز این وحدت را محکمتر کرد. این مهم باعث حضور داوطلبانه‌ی مردم در جبهه‌های نبرد شد؛ چنانکه رمان‌های جنگ کمتر حالت نظامی خالص و صرف دارد و مبارزان از هر طبقه و قشر و منطقه‌ای هستند و بیشتر با عنوان امتی اسلامی در برابر دشمن می‌ایستند. اگر چه جوان‌ها بیشتر توان مبارزه دارند، ولی اشتیاق مبارزه، خاص آن‌ها نیست. این نکته، شاخه‌ی فرعی دیگری نیز دارد و آن مخالفت با دیگر انسان‌های بی تفاوت و بی توجه به جنگ است. مردم خواهان وحدت اند و از کسانی که جنگ را بهانه‌ای برای رسیدن به سرمایه داری و زر اندوزی قرار داده اند؛ بیزاری می‌جویند. حضور مردم، هم با انقلاب اسلامی و هم با رهبری امام پیوند دارد و جامعه‌ی انقلابی را نشان می‌دهد.

زنان نیز در برخی رمان‌ها همپای مردان یا می‌جنگند یا امدادگرند. در نخل‌های بی‌سر، بیشتر مردم خرمشهر در دفاع از شهر شرکت می‌کنند و شهناز نیز از امدادگران است. در زمین سوخته، بیشتر جوانان مانند باران به مقابله با دشمن می‌پردازند. بیشتر افراد نیز داوطلبانه به جبهه می‌شتابند، مانند دانش‌آموزان و دانشجویان. ارمیا یک دانشجویست و ناصر در «سفر به گرا» یک دانش‌آموز است و حجت کیانی در ملاقات در شب آفتابی یک دانش‌آموز است. دانیال و علی در «گنجشک‌ها بهشت را می‌فهمند» دانشجوی هستند. در همین رمان، هانیا، از زنان امدادگر است. در «باغ بلور» مردان هر سه خانواده به جبهه رفته‌اند. دیده بان در «شترنج با ماشین قیامت» یک بسیجی نوجوان است.

۵- پیروی از امام(ره)

امام به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی و مؤسس حکومت، نقش مهمی در پیروزی بر دشمن دارد. امام مایه‌ی بیداری ایران و جهان اسلام گشت. این نکته در رمان‌های دفاع مقدس بسیار اندک آمده است و تأکید چندانی بر آن نشده است. پیروی از امام در سیمای شخصیت‌ها دارای دو مرحله است. الف: پیوند مبارزان با فعالیت‌های انقلاب اسلامی که در آن تأکید بر نقش رهبری نشده است. ب: پیوند مبارزان با امام در مسأله‌ی دفاع مقدس. «ناصر: اونا از موقعیت ما سوء استفاده کردن، بی‌خبر ریختن تو خونه‌ی ما تا ریشه‌ی انقلاب را بخشکونن. وظیفه‌ی من و حسین و بقیه است که جلوشون بایستیم. پشت کردن به جنگ پشت کردن به امامه.» (نخل‌های بی‌سر، ص ۷۹).

۶- جهاد توأم با عرفان مبارزان (عرفان جامعه)

رزمندگان، هویتی دینی و مردمی دارند، با حال و هوایی عاشقانه می‌جنگند. مبارزه برای رزمنده در ظاهر هر جنگ خلاصه نمی‌شود. مبارزه در سطح ظاهری بر اساس تکلیف جهادی و اجتماعی است و در باطن بر اثر شوق و اشتیاق درونی به تهذیب نفس و معامله با خالق است. رزمنده جامع جهاد و عرفان است. او در

لایه‌ی ظاهری جنگ متوقف نمی‌شود. نبرد او بر اساس توکل و شوق به وصال است. جنگ برای او هدف نیست و هدف اصلی و قلبی، وصلی عاشقانه است. «اما در جنگ تحمیلی هدفی دیگر وجود داشت که عشق به میهن و دفاع از ناموس و شرف و دین و آیین را نه آن که بی‌قدر کند، بلکه بی‌رنگ می‌کرد و آن رضای خدا بود.» (مودنی، ۱۳۷۳: ۴۷۵).

در نظر فرد عاشق، هیچ چیزی برتر از وصال معشوق نیست و رزمنده‌ی عارف دفاع مقدس، اگر چه در عرصه‌های تاریخی و اجتماعی فعال است، ولی از هدف مهم‌تر باز نمی‌ماند و عشق و عرفان مبنای حرکت اوست. «آنچه از قرآن کریم استنباط می‌شود، این است که روحیه‌ی جهادی و حماسی با اعتقاد و گرایش عرفانی هماهنگی و همسویی کامل دارد، زیرا در قرآن، روحیه‌ی حماسی جهادی نشأت گرفته از روحیه‌ی عرفانی است.» (قبادی ۱۳۷۳: ۲۸۱). ریشه‌ی اعتقادی و صفای قلبی فرد، راهگشای شیوه‌ی مبارزه‌ی اوست. مبارزان در توکل به دوست، همه چیز را به او وا می‌گذارند و عاشقانه در رسیدن به او می‌کوشند. عمل در عرصه‌ی اجتماع، رزمنده را از توجه به ندای درونی خویش باز نمی‌دارد. «آنچه اندیشه و پیام انقلاب را از اندیشه و پیام ادبیات کهن متمایز می‌سازد، ظهور عرفان جامع یا عرفان حماسی و اجتماعی است» (ایزد پناه، ۱۳۷۶: ۵۷). شهادت طلبی، یکی از جلوه‌های دیگر عرفان جامع است که در هویت دینی مبارزان ذکر شد. این مسأله با هویت دینی مبارزان و عرفان سرخ برگرفته از حادثه عاشورا در ارتباط است و توجه نویسندگان دفاع مقدس را به مسایل روز و کشمکش متناسب با درون افراد در جهان معاصر را نشان می‌دهد. "معنا پردازان واقعه‌ی عاشورا غالباً نگرش عرفانی به این حادثه را یکی از قرائت‌ها خوانده‌اند." (کافی، ۱۳۸۶: ۳۰۷). عرفان، باعث توجه به حالات درونی و معنوی رزمندگان می‌شود و از پرداختن به جنبه‌های صرفاً نظامی و جنگی دور می‌دارد.

این عنصر، در رمان «دوشنبه‌های آبی ماه» پررنگ است. شخصیت بابا، هم در نام و هم در عمل به طور آشکار عارف است، یا ممدو که در جبهه دنبال

سنگ‌نشان کرده می‌گردد و نمادهای رمان نیز مکمل این مسأله هستند. نمادهایی مثل ماه، رنگ آبی، دوشنبه، آب، شاهزاده، سه راهی و پیراهن شهادت. اوج این نکته در ارتباط بابا و ممدو است که صحنه‌ی پایانی رمان در شهادت عاشقانه و آرام بابا از بهترین لحظه‌های رمان است.

«ممد با دو ساک پر از کتاب برگشت قرارگاه. آمدی اینجا کتاب فروشی باز کنی. آمدم اینجا کمک کنی سنگ‌نشان کرده را پیدا کنم.» (دوشنبه‌های آبی ماه، ص ۱۵۶).

در رمان «گنجشک‌ها بهشت را می‌فهمند» از حسن بنی‌عامری سویی مهم شخصیت آعلیجان عرفانی است. (علی) علی‌جان به هنگام کمال در آب می‌ماند و آب پس از هفت سال جنازه‌ی او را سالم تحویل می‌دهد. «چطور این جنازه بعد از هفت سال این‌طور تازه در آب مانده و فاسد نشده. آب جنازه را آورده به محل قتل یعنی در همین رودی که به آن می‌گویند اروند و همه تان هم اعتراف می‌کنید که پر از کوسه است. جزر و مد‌های پنج شش متری دارد.» (وقتی گنجشک‌ها بهشت را می‌فهمند، ص ۳۷۹).

بیشتر اوقات این حالت عرفانی در رابطه‌ی ای دوستانه جاری است و ارتباط، باعث تکامل معنوی می‌گردد. در رمان «شطرنج با ماشین قیامت» اثر حبیب احمدزاده، دیده بان سیر و سلوک معنوی خود را می‌گذرانند و به کمال می‌رسد و در این میان رابطه‌ی او با قاسم و نوع اتفاقات، تداعی رابطه‌ی موسی و خضر و بیان مسأله‌ی صبر و توکل است. دیده بان، با از دست دادن دیده‌ی ظاهری، به دیده‌ی باطنی دست می‌یابد. این مسأله با نمادهای رمان مانند ساختمان هفت طبقه، مهندس (نماد علم‌گرایی و ظاهر پرستی)، گیتی‌نماد گناه و شر، دوربین و به ویژه بی‌سیم او که همیشه مبشر حال و هوایی معنوی است، تکمیل می‌شود.

۷- وحدت و همدلی مبارزان با هم (برادری)

مبارزه در سایه‌ی تعالیم و وحدت در برابر دشمن، بر اساس عقیده‌ی واحد و نیز هویت عرفانی و عشق به خدا و بندگان او و روحیه‌ی تسامح و صفای قلبی

باعث شده است، رزمندگان رفتاری برادرانه و عاشقانه با هم داشته باشند و فضای جبهه، حالت قدسی و معنوی به خود بگیرد. وحدت نظر و عقیده و شوق همکاری برادرانه به رزمندگان بخشیده است. این هویت صادقانه و دوستانه فرصت توجه به مشکلات را نمی‌دهد و بیشتر حال و هوایی معنوی و دوستانه و اخوانی حاکم است. آنچه در رابطه‌ی عرفانی نیز به وضوح در ارتباطی دو سویه وجود داشت. «در آثار دفاع مقدس به ندرت داستان‌هایی دیده‌ایم که جنبه‌های منفی جنگ را که تخریب و ویرانی و جنایاتی است که در جنگ رخ داده، منعکس کند. تمام نگرش‌ها به این سمت و این جنبه از جنگ بود که قداستی در آن وجود داشته است.» (حسن بیگی، ۱۳۷۸: ۲۷۶).

دوستی‌های جبهه، عاشقانه و بی‌غرض است و در عین جنگ، فضایی مهربان و قدسی می‌آفرینند و جبهه نقشی اساسی در پیوند عاطفی بین رزمندگان دارد. البته برخی رابطه‌ها که به خاطر جبهه ایجاد می‌شود، در مکان و زمانی قبل از حضور در جبهه و در حال اعزام ایجاد می‌شود. «ابراهیم زاهدی مطلق: اگر بخواهی از جنگ و آنچه گذشت برای پسرت بگویی از کجا برایش می‌گویی؟ احمد دهقان: از دوستی که بین بچه‌ها وجود داشت.» (زاهدی مطلق، ۱۳۸۴: ۱۴).

حجت کیانی: حسام چشم و گوش من و خانواده‌ام را نسبت به شهید باز کرده (ملاقات در شب آفتابی، ص ۵۳). در رمان «ارمیا» نیز این رابطه بین او و مصطفی حاکم است. مصطفی را از وقتی دید، یعنی بلافاصله بعد از مسجد، عاشقش شد؛ آن جا یک دیدن در مسجد داشت و یک عشق و یک شهادت. در آن بین چیزی از جنس دوستی‌های ساده وجود نداشت فقط عشق بود و عشق. (ارمیا، ص ۵۶).

من یک برادر توی سنگر جا گذاشته‌ام، یعنی نه یک مرد، من را جا گذاشته است. (ارمیا، ص ۵۷).

این مسأله در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» نیز در رابطه ناصر با علی وجود دارد.

«علی برمی‌گردد طرفم و چشم می‌دوزد تو چشم‌هایم. می‌مانم او بیاید در آغوشم بگیرد، عینهو کودکی هستم که احتیاج به نوازش دارد، سرم را تکیه می‌دهم به شانه اش.» (سفر به گرای ۲۷۰ درجه، ص ۲۰).

این مسأله در رابطه‌ی دانیال با علی از آغاز سفر تا شهادت علی و اسارت دانیال نیز وجود دارد. اگر چه آغاز سفر به بهانه‌ی کسب گزارش از کردستان بوده است، ولی با شروع جنگ تداوم می‌یابد.

در رمان اشکانه نیز در ارتباط جانباز حسین علوی با حامد در جبهه و بعد از آن وجود دارد و در اصلاح نگرش حامد درباره‌ی اجتماع تداوم می‌یابد.

سید: مسأله را اینقدر بزرگش نکن. مدینه‌ی فاضله‌ی ساخته نخواهد شد. واقعیت همیشه رنگ دلخواه ما را ندارد. جامعه پس از جنگ را اگر درست تحلیل نکنیم، هر کداممان می‌شویم یک امیر که الان گوشه‌ی زندان است. (اشکانه، ص ۲۰۸).

۸- پشتیبانی خانواده از مبارزان

خانواده به عنوان نسلی است که انقلاب اسلامی را درک کرده اند و هویت دینی دارند. پشتیبان و یاور رزمنده هستند. خانواده‌ها به عنوان شخصیت داستانی، کمتر نقش موثر و فعالی دارند. ارتباط آنان بیشتر در رابطه با رزمندگان معنا می‌یابد. آنان پشتیبان عقیدتی و معنوی مبارزان هستند. شخصیت‌های خانواده بیشتر به طور ضمنی موافق عمل رزمنده تصویر می‌شوند تا در گفتار یا عمل خاص. این حمایت کمتر جنبه‌ی عقلی و آگاهانه دارد و بیشتر صورت عاطفی و حسی دارد. این نکته بیشتر در ارتباط رزمنده با والدین یا همسر انعکاس یافته و کمتر زمانی به مسایل فرزندان، جانبازان و شهدا پرداخته است. سویه‌ی فعال و کوشای زنان کمتر در رمان نشان داده شده است. خانواده‌ها در اعزام فرزندان و نیز پذیرش خبر جانبازی و شهادت آنان، یاور رزمندگان هستند.

عکس باران بر پیشانی یکی از تابوت‌ها چسبیده است، نگاهش انگار جان دارد. ننه باران اصلاً اشک نمی‌ریزد، اصلاً بی‌تابی نمی‌کند. (زمین سوخته، ص ۲۵۲).

در «باغ بلور»، مشهدی پدر شهیدی است که خود، خواهان رفتن به جبهه است. او به جبهه می‌رود و شهید می‌شود و فرزند دیگرش نیز شهید می‌شود. «عالیه: بچه‌ها شهید شدن ولی می‌آن، رفتن باغ بلور.» (باغ بلور، ص ۳۲۶). بتول که در شهادت حسین و شهناز بی‌قرار بود، دیگر به درک جدیدی از شهادت دست می‌یابد. در آزادسازی خرمشهر چنین می‌گوید:

دیگه... حالا... اگر ناصر هم... شهید بشه... غمی ندارم. (نخل‌های بی‌سر، ص ۱۹۱).

زهرا: برای یک زن چه لذتی بالاتر از این که زن شهید باشد، این آبرو نیست؟ افتخار نیست؟ (ملاقات در شب آفتابی، ص ۱۰۱).

در این میان، تنها خانواده‌ی ارمیاست که کمتر با اعمال ارمیا موافقتند. آن‌ها شخصیت‌های پولداری هستند که کمتر با مسایل اعتقادی ارتباط دارند.

«شهین: اگر خانهای عمه جان چیزی در مورد انقلاب و جنگ گفتند؛ تو هیچ چیز نمی‌گویی‌ها» (ارمیا، ص ۹۶). «شهین حتی لباس خاکی ارمیا را مخفی کرده بود.» (ارمیا، ص ۹۶).

خانواده‌ها - بیشتر زنان - موافق و پشتیبان رزمندگان هستند و مبارزان کمتر با مخالفت اطرافیان رو به رو هستند.

۹- نتیجه

مؤلفه‌های پایداری در رمان دفاع مقدس، شاخه‌های گوناگون به هم پیوسته از دیانت و اعتقاد و وحدت و همکاری با خانواده و دوستان است. این مؤلفه‌ها با زمینه‌های تاریخی - اجتماعی جامعه‌ی ایران در سال ۱۳۵۷ یعنی انقلاب اسلامی پیوندی نزدیک دارد و دفاع بر اساس آرمان‌هایی دینی و اعتقادی صورت می‌گیرد. پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه پیروزی در دفاع مقدس، تنها با تکیه بر سلاح و

امکانات مادی و دنیوی نبود، بلکه شاخصه‌ی اصلی و عامل مهم این رستاخیز نظامی قرن، اعتقاد قلبی و ایمانی مردم و رزمندگانی بود که باتمام توش و توان خود، کوشیدند تا ننگ اسارت و حقارت را از چهره‌ی تاریخی خود و کشور خویش بزدايند. آن‌ها با تکیه بر مبانی دینی و اعتقادی خود، به ویژه پیروی از الگوهای همیشه جاوید تاریخ خود، همچون انبیا و اولیا و اوصیا، به ویژه قیام خونین عاشورا، توانستند شاهکار دفاعی قرن را رقم بزنند و برای همیشه ثابت کنند ملتی که شهادت را افتخار می‌داند، همیشه پیروز است.

کتابنامه

- ۱- امیر خانی، رضا، ۱۳۸۷، ارملیا، چاپ نهم، نشر سوره‌ی مهر، تهران.
- ۲- ایزد پناه، عباس، ۱۳۷۶، در قلمرو فلسفه‌ی ادبیات و ادبیات دینی، نشر عروج، تهران.
- ۳- ایوتادیه، ژان، ۱۳۷۷، جامعه‌شناسی و ادبیات و بنیان‌گذاران آن در درآمدی بر جامعه‌شناسان ادبیات، محمد جعفر پوینده، نشر نقش جهان، اصفهان.
- ۴- بنی عامری، حسن، ۱۳۷۶، گنجشک‌ها بهشت را می‌فهمند، نشر نیلوفر، تهران.
- ۵- حسن بیگی، ابراهیم، ۱۳۸۷، اشکانه، چاپ سوم، نشر قدیانی، تهران.
- ۶- حسن بیگی، ابراهیم، ۱۳۸۷، چشم انداز ادبیات انقلاب اسلامی، به کوشش حسین بیات و سید محسن حسینی، نشر مرکز تحقیقات صدا و سیما، تهران.
- ۷- دهقان، احمد، ۱۳۷۵، سفر به گرای ۲۷۰ درجه، چاپ دوازدهم، نشر سوره‌ی مهر، تهران.
- ۸- زاهدی مطلق، ابراهیم، ۱۳۸۴، نویسندگان نسل باروت، نشر صریر، تهران.
- ۹- سنگری، محمدرضا، ۱۳۸۵، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، جلد دوم، چاپ دوم، نشر پالیزان، تهران.
- ۱۰- فراست، قاسمعلی، ۱۳۸۵، نخل‌های بی‌سر، چاپ سوم، نشر صدیر، تهران.
- ۱۱- قبادی، حسین، ۱۳۷۳، مقاله‌ی "تبیین یک ویژگی منحصر به فرد در فرهنگ دفاع مقدس"، مقالات برگزیده‌ی چهارمین کنفرانس بررسی دفاع مقدس، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، تهران.
- ۱۲- کاتب، محمدرضا، ۱۳۷۵، دوشنبه‌های آبی، نشر صریر، تهران.

- ۱۳- کمبری، علیرضا، ۱۳۷۳، مقاله‌ی "خاطره نگاشته‌ها و خاطره نویسی در گستره‌ی ادب مقاومت و فرهنگ جبهه"، مجموعه مقالات سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، سمت، تهران.
- ۱۴- کافی، غلامرضا، ۱۳۸۶، شرح منظومه‌ی ظهر، مجتمع فرهنگی عاشورا تهران.
- ۱۵- لاج، دیوید، ۱۳۸۸، هنر داستان نویسی، رضا رضائی، نشر نی، تهران.
- ۱۶- محمود، احمد، ۱۳۸۰، زمین سوخته، چاپ چهارم، نشر معین، تهران.
- ۱۷- مخملباف، محسن، ۱۳۷۰، باغ بلور، چاپ هفتم، نشر نی، تهران.
- ۱۸- موذنی، علی، ۱۳۷۳، مقاله‌ی "نقش ادبیات داستانی در تبیین و تثبیت ارزش‌های جنگ"، در مجموعه مقالات بررسی رمان جنگ در ایران و جهان، بنیاد جانبازان، تهران.
- ۱۹- میر صادقی، جمال، ۱۳۷۶، عناصر داستان، چاپ سوم، نشر سخن، تهران.
- ۲۰- ورکور، ۱۳۸۷، خاموشی دریا، حسن شهید نورائی، چاپ دوم، نشر دنیای نور، تهران.
- ۲۱- هاجری، حسین، ۱۳۸۷، چشم انداز ادبیات انقلاب اسلامی، به کوشش حسین بیات و محسن حسینی، نشر مرکز تحقیقات صدا و سیما، تهران.